

فرصتی برای آینده‌سازان تیم ملی

چهره تیم ملی پیش از رویارویی با قطر جوان شده است ...



چهره تیم ملی پیش از رویارویی با قطر جوان شده است

فرصتی برای آینده‌سازان تیم ملی

جام جم آنلاین: دیدار تدارکاتی با اردن، بیش از آن که یک دیدار تدارکاتی برای رویارویی با قطر محسوب شود و به منظور اثبات صدرنشینی قطعی تیم ملی فوتبال ایران در مسابقات مقدماتی جام جهانی برزیل 2014 به شمار آید، بازی دوستانه‌ای بود که فرصتی شد تا جوانان فوتبال ایران به میدان بروند و توانایی‌های خود را برای روزهای مبادا و جوانگرایی تیم ملی به معرض نمایش و ارزیابی کرش و دستیارانش در گروه فنی قرار دهند.

آسیب‌دیدگی مجتبی جباری، فریدون زندی و آندو تیموریان از یکسو و ضعف و ناتوانی مهاجمان از سوی دیگر کافی بود تا کرش علاوه بر استفاده از رضا نوروزی، مهاجم گلزن فولاد خوزستان در نوك حمله و استفاده از کریم انصاری‌فر در کنار او، برای پیداکردن گمشده‌اش در نوك پیکان تیم ایران، تغییری هم در کار تاکتیکی تیم به وجود آورد تا تیمی تهاجمی‌تر را برای آینده پی‌ریزی کند.

کرش با این تیم جوان عمدا می‌خواست قدرت واقعی تیم ملی در غیبت آگاهانه و سیاستمدارانه نکونام، خلعتبری و حیدری برای مقابله با قطر پنهان بماند و این تیم مرموز عربی نتواند در آنالیز نهایی، شیوه بازی و استراتژی تیم ایران را محک بزند. بی‌علت نبود که تیم دگرگون‌شده و جوان ایران در بازی دوستانه با اردن از انسجام کافی برخوردار نبود و در بازی ترکیبی، روان و موفق نشان نداد. در چنین احوالی بود که تیم اردن با ترفند خشونت و پرسینگ همه‌جانبه، پیوندهای ارتباطی ایران را در تمامی نقاط زمین از هم گسست و با مراقبت جدی‌تر از علی کریمی و غلامرضا رضایی، تغذیه مهاجمانی چون نوروزی و انصاری‌فر را هم دچار اشکال کرد تا به مقصود برسد.

با این توصیف آنچه موجب گل‌های اول (دقیقه 45 و 54) اردنی‌ها شد و در آغاز این تیم عربی را صفر - 2 پیش انداخت، اشتباه مسلم بازیکنان میانی و غفلت کودکانه خط دفاعی و در کل ضعف تاکتیکی تیمی شد که باید در مرحله دوم با حریفانی قدرتمندتر روبه‌رو شود.

این دیدار دوستانه برای گروه فنی تیم ملی فوتبال ایران و کارلوس کرش - سرمربی پرتغالی‌اش - دستاوردهایی داشت که اگر مورد نظر قرار گیرد می‌تواند در مرحله دوم رقابت‌های مقدماتی جام جهانی موثر و نتیجه‌بخش باشد.

در این بازی از بسیاری از بازیکنان تیم ملی حتی آنها که از تجربه‌هایی برخوردارند، اشتباهاتی فنی و تکنیکی سر زد که اگرچه فردی است، اما حاصل تیمی ضعیفی در بر داشت که می‌تواند در عمل فرآیند ناگواری به جا بگذارد.

کریم انصاری‌فر؛ در نقش یک مهاجم نوك و تمام‌کننده نمی‌تواند هر پاسی را به هر شکل به گل تبدیل کند. بزرگ‌ترین ضعف او این است که شوت سنگین و روپا ندارد، حتی ضربه‌های بغل پا و درون پایش خوب هدف‌گیری نمی‌شود. به این ضعف‌ها اضافه کنیم بازی سریع، پاس‌دادن و حرکت یک - دو را که حتی بندرت شاهد آنها هستیم. با این همه او قابلیت‌های رفع همه این معایب را دارد، اگر با پاس‌های خوب و مناسب‌تر تغذیه شود.

غلامرضا رضایی؛ از سرعت خوبی برخوردار بوده که برای هر تیمی ارزشمند است و اگر ارسال‌های توپ به فضای پشت دفاع حریف، با فرارهای سریع او همراه باشد، قابلیت او ده‌چندان می‌شود. حیف که با همه این امتیازات، اغلب در عبور پا به توپ از یار مستقیم مستاصل است و در ارسال پاس‌های سالم ناتوان و کم‌تاثیر و در درگیری‌ها، بیشتر اوقات ناموفق است و نامتعادل.

علی کریمی؛ تنها کسی است که در نقش یک کاپیتان باتکنیک، پیش از دریافت توپ، نزدیک‌ترین بازیکن بدون توپ را تشخیص می‌دهد و می‌تواند با یک ضربه او را صاحب توپ کند. افسوس که در تیم ملی و تیم‌های باشگاهی ما قدر پاس‌های او را نمی‌دانند و با جایگیری در فضای نامناسب، کسی به ارزش پاس‌های او پی نمی‌برد. بازی ایستا در نزد بازیکنان بدون توپ در تیم ملی، بارها در عرصه‌های بین‌المللی به زبان فوتبال ما تمام شده است.

کریمی اگر در نیمه زمین حریف و نزدیک‌تر به دروازه حریف و کنار یک زوج مکمل قرار گیرد که قدر پاس‌های او را بداند و به حرکات یک - دو او جواب دهد، مشکل گلزنی تیم پرسپولیس و بویژه تیم ملی حل می‌شود. در بازی مقابل اردن دیده شد حتی رضایی با

هم‌باشگاهی‌اش قادر نیست نقش این مکمل را بازی کند.

مهدی رحمتی؛ دروازه‌بان اول تیم ملی که بی‌همتایی و فاصله‌اش با دروازه‌بان دوم، احتمالاً او را از تمرینات جدی دور کرده است، اخیراً گل‌های ناباورانه‌ای را پذیرفته است که اگرچه نباید تنها او را مقصر دانست، اما نمی‌شود اشتباهات او را هم نادیده گرفت که مهم‌ترینش خروج‌های تردیدآمیز است. (گل اول اردن)

نکته: تا جام جهانی برزیل 2014، 2 سال وقت باقی است، اما برای رسیدن به این جام هنوز در آغاز راه ایستاده‌ایم و امید داریم با کرش پرتغالی خود را در این جشنواره بزرگ جهانی ببینیم و قدرت فوتبال ایران را به نمایش بگذاریم. بین او و مدافعان تیم باید چنان هماهنگی تنگاتنگی باشد که دچار چنین تردیدهایی نشود. رحمتی به یک اشتباه دیگر هم دچار شده است که فقط در بین دروازه‌بان‌های تازه‌کار دیده می‌شود. او روی ضربه‌هایی که از نقطه پنالتی زده می‌شود، شانس 50-50 را انتخاب می‌کند که اغلب با تصمیم سریع‌تر و حرکت او به یک سمت به پنالتی‌زن اجازه می‌دهد سمت بازتر دروازه را هدف قرار داده و شانس گل‌زدن خود را به 100 درصد ارتقا دهند. گل دوم اردن، حاکی از همین اشتباه بود.

احسان حاج‌صفی؛ بازیکن جوانی است که در تیم سپاهان ظهور کرد و قابلیت بازی در سمت چپ را از خط دفاع تا گوش چپ دارد. میل به بازی هجومی‌اش او را وامی‌دارد که از کار دفاع بازماند و بیشتر اوقات جای خالی او که به درستی از جانب هافبک چپ یا مدافع دیگر پوشش داده نمی‌شود، مورد طمع تیم مقابل قرار گیرد. چنین تهدیدهایی گاهی با نفوذ از این محل و گاهی برای بازکردن 2 مدافع میانی و نفوذ از قلب دفاعی صورت می‌گیرد که در بازی با اردن این نوع تهدیدها از مرکز دفاعی ایران شکل گرفت و منجر به هر دو گل حریف شد.

شاید مدافعان ما به دلیل زیاده‌روی مردان میانی در بازی هجومی و فاصله‌گرفتن از مدافعان اعتماد به نفس خود را از دست داده باشند یا فراموش کردن وظیفه‌شان در یادگیری و پوشش است که قادر نیستند در بازیسازی و ارسال پاس‌های سالم شرکت کنند و با اعتماد به نفس آغازگر بازی هجومی شوند.

این ضعف عمده در کار دفاعی است که منجر به دفع بی‌حساب و کتاب می‌شود و حفظ دروازه را با اما و اگر دچار می‌کند و در نهایت مهار حملات تیم مقابل بسختی صورت می‌گیرد همین مساله، مدتی است تیم ملی را می‌آزارد و راه چاره‌اش حملات پراکنده و پرتعداد و بی‌حساب و کتاب نیست. فراموش نشود که میل بازیکنان خط میانی تیم ملی به تهاجم که گاهی موجب نفوذ همزمان 2 مدافع کناری و شکاف در دیوار دفاعی می‌شود هر تیمی را تشویق به ضدحمله و تهدید می‌کند و این کار تیم ملی را حتی مقابل تیم‌های ضعیف‌تر به دردسر می‌اندازد. اردنی‌ها چنین حریفی بودند که گرچه فقط مجهز به خشونت و سرعت عمل و توانایی پرسینگ در همه نقاط بودند، اما با همین امتیازها بود که حتی برای شکست‌دادن ایران، کمبودی حس نمی‌کردند.

برنامه‌ریزی حرفه‌ای

تا جام جهانی برزیل 2014، 2 سال وقت باقی است، اما برای رسیدن به این جام هنوز در آغاز راه ایستاده‌ایم و امیدواریم با کرش پرتغالی خود را در این جشنواره بزرگ جهانی ببینیم و پس از 8 سال و غیبت در جام جهانی 2010 آفریقای جنوبی بار دیگر از سایه به در آییم و قدرت فوتبال ایران را به نمایش بگذاریم. با این پیش‌فرض، بی‌تردید بعضی از این جوانان که مقابل اردن در محک آزمایش قرار گرفتند، شانس این را دارند که در جام جهانی برزیل در ترکیب تیم ملی جای داشته باشند. نوروزی، ماهینی، انصاری‌فر، فشنگچی و حقیقی که مورد توجه کرش قرار گرفته‌اند، بدون شک از موانع ریز و درشت ورود به تیم ملی گذشته‌اند و رضا حقیقی که پیراهن باشگاهی فجر را به تن دارد، شاید در میانه میدان مهر تایید هم خورده باشد، اما آنچه این جوانان جویای نام را مقید می‌کند، مسوولیتی است که با پوشیدن پیراهن ملی به عهده می‌گیرند و از این پس علاوه بر این که باید الگوی ادب و اخلاق نیکو باشند باید بکوشند با جدیتی هر چه تمام‌تر در تیم باشگاهی خود اثرگذار باشند و در حالی که بهتر است شاگردان حرف‌شنویی برای مربیان خویش شناخته شوند و خواب، خوراک و تمرینات بدنسازی خود را مطابق یک بازیکن حرفه‌ای رعایت کنند و بهتر است با انتخاب یک الگوی جهانی در پستی همانند و تعقیب بازی‌های باشگاهی و ملی او به نقش تاکتیکی و تیمی او توجه کنند و با این برنامه‌ریزی و خودآموزی ساده به بینش و دانش فوتبالی خود بیفزایند. شاید بهتر باشد با استفاده از فیلم بازی‌های تیم خود حرکات اشتباه و سالم خویش را در تاکتیک تیمی مورد مقایسه قرار دهند و در رفع اشتباهات خود بکوشند و مطمئن باشند در پایان هر فصل درصد بسیاری از نقاط ضعف خود را بپوشانند.

متأسفانه تیم ملی جایگاهی برای آموزش‌های فردی و رفع نواقص تکنیکی و تاکتیکی هر بازیکن نیست و اردوهای کوتاه‌مدت مجالی به دست نمی‌دهد تا نواقص تکنیکی هر فرد مرتفع شود، بخصوص برای آن گروه از بازیکنانی که آموزش کلاسیک ندیده و خودرو رشد کرده‌اند.

کلام آخر این که از دیدار دوستانه ایران با اردن و نتیجه‌ای که به جا ماند نباید مایوس شد، اما در تجزیه و تحلیل این بازی با حضور همه بازیکنان نباید کوتاهی کرد چرا که بسیار نتیجه‌بخش و تاثیرگذار است.

پرویز زاهدی / جام جم